

حاکمان بندر عباسی در دوره صفویه

احمد بازماندگان خمیری*

سفر کرده است، حکومت بندر عباسی را خان‌نشین می‌داند. (کارری، ۱۳۴۸: ۱۴۰). وی خان را فردی معرفی می‌کند که معمولاً یک یا چند فوج سرباز در اختیار دارد و ملزم به متشکل کردن و ورزیده نگه داشتن آنان است. علاوه بر این، او بر مسائل قضایی و جنایی نیز نظارت می‌کرد (همان‌جا). گاهی اوقات او را والی نیز می‌نامیدند (Floor, 2001:81). اما، به طور کلی، دارنده این منصب را به نام حاکم می‌شناختند.

در اوایل دوره شکل‌گیری بندر عباسی، حاکم آن از سوی فرمانروای فارس انتخاب می‌گردید. ولی بعدها او به طور مستقیم از سوی دربار منصوب می‌شد. در این هنگام، حاکم معمولاً از درباریان و نزدیکان شاه بود و تمامی مأموران، حتی در دربار، ملزم به رعایت احترام او بودند (در کریسی، ۱۳۸۰: ۲۲۸؛ Carre, 1948:804). زمانی که حاکم به این مقام می‌رسید، با تمامی تشکیلات

چکیده: در دوره صفویه با آغاز رشد بندر عباسی، شاهد استقرار دیوان‌سالاری در آن هستیم. از آن جایی که در این دوره بندر عباسی مهمترین بندر ایران بود، دولت صفویه سعی زیادی داشت تا اداره آن را به طور مستقیم زیر نظارت خود داشته باشد. دیوان‌سالاری صفوی برای اینکه مانع از تمرکز قدرت در دست یک نفر گردد، بخش مالی را از بخش اداری- نظامی آن جدا کرد. بر بخش اول شاهبندر نظارت می‌کرد و بخش دوم بر عهده حاکم بود. در این مقاله به نقش و عملکرد حاکمان بندر عباسی در دوره صفویه می‌پردازیم.

کلیدواژه: تاریخ صفویه، حاکمان بندر عباسی، لار.

حاکمان بندر عباسی

حاکم بندر عباسی در دوره صفویه با القاب گوناگونی معرفی شده است. در زمان شاه صفی لقب او سلطان بود (فلور، ۱۳۵۶: ۶۳). ولی جملی کارری^۱ که در دوره حکومت شاه سلطان حسین به ایران

* عضو هیئت علمی دانشگاه پیام‌نور، مرکز بندرعباس.

عباسی، گویا نخستین حاکم آنجا حسن بیگ نام داشت. هنگامی که فیگوتروا - سفیر اسپانیا - به ایران آمد، حسن بیگ در بندر عباسی از او استقبال کرد (فیگوتروا، ۱۳۶۳: ۶۷). بعد از او اللهوردی سلطان به این مقام دست یافت. (همان: ۴۰۲). این فرد تا بعد از فتح هرموز در همین مقام باقی ماند (دلواله، ۱۳۸۰: ۱۲۳۲). فیگوتروا می‌نویسد که اللهوردی سلطان پیش از این، سمت آبدارباشی امام قلی‌خان را برعهده داشت (فیگوتروا، همان: ۴۰۳). در سال ۱۰۳۶ ق/ ۱۶۲۶ م بابابیگ اشیک آقاسی دارای این منصب بود (افشار، ۱۳۸۰: ۱۲). در سال ۱۰۵۲ ق/ ۱۶۴۲ م قراخان سلطان حاکم بندر عباسی بود (همان: ۲۳). گویا وی نسبت به تجار اجحاف روا می‌داشت و کالاهای آنان را بدون دلیل مصادره می‌کرد. از این‌رو، عباس دوم او را به پرداخت وجه کالاها و ادار کرد (همان: ۲۴). قراخان در زلزله‌ای که در سال بعد روی داد، کشته شد و به جای او میرجمال سلطان به این مقام دست یافت (قزوینی، ۱۳۲۹: ۶۳). در سال ۱۰۵۲ ق/ ۱۶۵۴ م پیربوداق پوناک ترکمان این منصب را به دست آورد. وی در همان سال از مقام خود کناره گرفت و به حکومت دورق در خوزستان رسید. به جای او طالب بیگ، از غلامان خاصه، این مقام را به دست آورد (همان: ۲۱۶). در سندی که از همین دوره در دست است لقب او چنین ذکر شده است: خانی عالیشانی طالب خانا (افشار، همان: ۳۳).

نکته قابل ذکر این است که تا زمان امام قلی‌خان، حاکم بندر عباسی از سوی او تعیین می‌شد. با کشته شدن او به فرمان شاه صفی از آن پس حاکم آنجا از سوی دربار منصوب می‌گردید. شاید دلیل این امر افزایش اهمیت روزافزون تجاری بندر عباسی باشد که خود یکی از مهمترین منابع درآمد دولت صفوی محسوب می‌شد. از

خود به بندر عباسی می‌رفت. شاردن در ۱۳ ذی‌حجه ۱۰۸۵ ق/ ۱۱ مارس ۱۶۷۴ م در مسیر خود به سوی بندر عباسی، علی‌قلی‌خان، حاکم جدید را دید. وی کاروان او را با ابهت توصیف می‌کند و می‌نویسد که در این کاروان زنان، خواجهگان حرمسرا و خدمتکاران و لوازم بر روی هم هشتاد شتر، چهل قاطر و بیست اسب را تشکیل داده بودند (درکریسی، همان). یک گزارش منحصر به فرد از شاردن و کاره درباره برگزاری جشن ورود حاکم جدید بندر عباسی، علی‌قلی‌خان، در دست داریم:

در آن دوره به هنگام ورود حاکم جدید به شهر، حاکم برای دریافت هدایای نمایندگان کشورهای خارجی در بندر عباسی، از آنان برای شرکت در جشنی که به همین منظور برگزار می‌گردید، دعوت می‌کرد. در ۱۵ ذی‌حجه ۱۰۸۵ ق/ ۱۳ مارس ۱۶۷۴ م، علی‌قلی‌خان از اعضای شرکت هندشرقی فرانسه برای شرکت در این جشن دعوت کرد. بعد از صرف چاشتی سبک در ساعت ده صبح، برای سرگرمی حضار نمایشهای گوناگونی اجرا شد. نکته جالب اینکه در طی برگزاری مراسم، برخی از اشعار شاهنامه فردوسی همراه با موسیقی خوانده شد و در کنار آن، رقاصه‌های هندی نیز به رقص مشغول بودند (همان: ۲۲۱؛ Carre, 1948: 816). این جشن پنج ساعت طول کشید. بعد از صرف ناهار، مجلس باده‌گساری شروع گردید. کسی را به باده‌نوشی مجبور نمی‌کردند، اما آن قدر به سلامتی حاضرین و غایبین شراب نوشیده شد که همگی به حال مستی افتادند. به سلامتی پادشاهان ایران و فرانسه، شخصیت‌های عمده مجلس پذیرایی، به سلامتی توپهای دژ و استحکامات نظامی، به سلامتی قصر حاکم و کشتیهای جنگی و تجاری که در اسکله بودند (همان: ۲۳۲). (Ibid: 232).

در هر حال، پس از فتح گمبرون و ایجاد بندر

جدا شد. در این سال حکومت آنجا همراه با لار به عباس قلی بیگ، از غلامان خاصه واگذار گردید (نصیری، ۱۳۷۳: ۸۱). در سال ۱۱۱۰ ق/ ۱۶۹۸ م بندر عباسی از لار منفک گردید و عوض خان برادر صفی قلی بیگ، ناظر بیوتات به حکومت بندر عباسی رسید و مؤمن بیگ، وزیر سابق جهرم، به وزارت لار منصوب شد (همان: ۲۷۳). ظاهراً عوض خان از سوی دربار اصفهان به این مقام گماشته شده بود. به ویژه خویشی او با ناظر بیوتات این احتمال را افزایش می‌دهد. در سال ۱۱۲۰ ق/ ۱۷۰۸ م حکومت بندر عباسی و لار همراه با بندرکنگ به عباس قلی خان واگذار گردید. در دوره حکومت او اعراب مسقط به بندرکنگ حمله کردند و در آنجا دست به غارت کشتیهایی زدند که در لنگرگاه توقف کرده بودند (مرعشی، ۱۳۶۲: ۳۶).

از این دوره به بعد شاهد تغییر پی در پی حکام هستیم که این خود انعکاسی است از آشفتگی و نابسامانی موجود در دربار صفوی در آن زمان. در سال ۱۱۲۴ ق/ ۱۷۱۲ م علی رضا خان به حکومت بندر عباسی منصوب شد (فلور، ۱۳۷۱: ۳۸). او با هلندیان روابط نزدیکی داشت. زمانی که در همان سال بین اعضای واک (شرکت هند شرقی هلند) اختلاف افتاد، او از اوتس^۲، مدیر واک، حمایت کرد (همان‌جا). در سال ۱۱۲۶ ق/ ۱۷۱۴ م محمد امین بیگ، مقام نایب-الحکومه را برعهده داشت. در دوره او اعراب عمان در بندر عباسی به کشتیهای پرتغالی حمله کردند (فلور، ۱۳۶۵: ۲۰). در فوریه/صفر همان سال، محمد امین بیگ از مقام خود عزل شد و به جای او میرزا زاهد لاری- از نیاکان سدیدالسلطنه کبابی- این منصب

این‌رو، در این دوره شاهد به حکومت رسیدن افرادی با القاب درباری هستیم. چنان که فسایی در ذیل وقایع سال ۱۰۸۵ ق/ ۱۶۷۴ م می‌نویسد که در این سال حکومت جهرم و فسا به محمدصادق یوزباشی، پسر ساروخان حاکم سابق بندر عباسی واگذار گردید (فسایی، ۱۳۶۷: ۴۸۸). معلوم نیست که محمدصادق بیگ در چه سالهایی بر آنجا حکومت می‌کرد. شاید دوره حکومت او پیش از سال ۱۰۷۷ ق/ ۱۶۶۶ م بوده باشد، زیرا مشیری در تذکره صفویان کرمان می‌نویسد که بین سالهای ۹۷-۱۰۷۷ ق/ ۸۶-۱۶۶۶ م مرتضی قلی بیگ پسر علی قلی خان حاکم بندر عباسی بوده است (مشیری، ۱۳۶۹: ۳۴۸). در اینجا روایت مشیری با شاردن اختلاف دارد. همان‌گونه که اشاره شد در سال ۱۰۸۵ ق/ ۱۶۷۴ م علی قلی خان حاکم بندر عباسی بود. به نظر می‌رسد که مشیری دوران حکومت او را با دوران حکومت پسرش درهم آمیخته است. از این‌رو، احتمالاً ابتدا علی قلی خان و بعد از مرگ یا کناره‌گیری او- که ما نمی‌دانیم کی روی داد- پسرش به حکومت آنجا رسید. در نتیجه، به نظر می‌رسد که محمدصادق بیگ بین سالهای ۱۰۶۵ ق/ ۱۶۵۴ م تا ۱۰۷۷ ق/ ۱۶۶۶ م حاکم بندر عباسی بوده است. نکته مهم دیگر در روایت مشیری، انتصاب مرتضی قلی بیگ از سوی حاکم کرمان است (همان‌جا). از این‌رو، ظاهراً در این دوره بندر عباسی زیر نظر حکومت کرمان اداره می‌شد. این روند تا سال ۱۱۰۴ ق/ ۱۶۹۳ م که محمدعلی خان به حکومت رسید، ادامه یافت؛ زیرا او در توطئه‌های حکومت کرمان شرکت فعال داشت (همان: ۴۷۵).

در سال ۱۱۰۶ ق/ ۱۶۹۵ م بندرعباسی از کرمان

برای خروج از بندر عباسی به آن حمله کنند (همان: ۱۳۱).

یعقوب سلطان برای دست یافتن به کشتی، تجارتخانه‌های ایک و واک را محاصره کرد. این رفتار او واکنش شدید هواداران این دو تجارتخانه در بندر عباسی را در پی داشت (همان: ۱۳۳). او از سوی لطف‌علی خان، بیگلربیگی فارس، برای دفع حملات اعراب تحت فشار بود (همان: ۱۲۹). این وقایع حرکات جنون‌آمیزی را از سوی یعقوب سلطان در پی داشت؛ از جمله وی دستور قطع یک دست و پای هفت سربازی را صادر کرد که درخواست دریافت موجب داشتند (همان: ۱۳۲). این رفتار او و نیز نارضایتی دیگر کارگزاران حکومتی و خارجی‌ان موجب برکناریش از سوی لطف‌علی خان گردید. محمدزاهد سلطان، که شاید همان محمد زاهد لاری باشد، جانشین یعقوب سلطان، در ۵ شعبان ۱۱۳۰ ق / ۲۴ ژوئن ۱۷۱۸ م به محض ورود به بندر عباسی او را دستگیر کرد و به شیراز فرستاد (همان: ۱۴۰).

در ۱۶ صفر ۱۱۲۹ ق / ۲۰ ژانویه ۱۷۱۷ م صفی‌قلی خان، قوللر آقاسی و بیگلربیگی فارس به فرمان شاه سلطان حسین از کار برکنار شد و به جای او صفی‌قلی بیگ قابچی باشی - رئیس دربانان شاه - که به خشونت و آزمندی معروف بود، به حکومت بندر عباسی و لار منصوب گردید (فلور، ۱۳۶۵: ۲۹). اما طولی نکشید که صفی‌قلی بیگ در ذی‌قعدة همان سال عزل و به جای او لطف‌علی داغستانی منصوب شد (همان: ۳۱). در این دوره بیشتر حکام بندرعباسی بر اثر توطئه‌های درباری به حکومت می‌رسیدند و بیشتر آنان در انجام وظایف محوله ناتوان بودند، به جز لطف‌علی خان که توانست تا حدودی آرامش را به سواحل ایران بازگرداند. اما او نیز دو سال بعد به اتهام همکاری با عمویش، اعتمادالدوله، که

را به دست آورد (همان: ۲۲). دلیل عزل او ناتوانی در دفاع از کشتیهای پرتغالی در برابر حملات اعراب بود. در ۱ شعبان ۱۱۲۷ ق / ۲۲ ژوئیه ۱۷۱۵ م صفی‌قلی خان، حاکم تبریز، به مقام قوللر آقاسی و بیگلربیگی فارس، کهکیلویه، دشتستان، لار، بندر عباسی و سرداری سپاهی برای سرکوبی اعراب مسقط تعیین گردید (فلور، ۱۳۷۱: ۶۰). بعد از امام قلی خان، او اولین فردی است که تمامی مناطق جنوبی ایران را زیر حوزه نفوذ خود داشت. دلیل واگذاری این بخش از ایران به صفی‌قلی خان، حملات اعراب به بنادر و سواحل ایران بود که موجب نگرانی دربار صفوی را فراهم نموده بود.

در سال ۱۱۲۸ ق / ۱۷۱۶ م حملات اعراب مسقط به بنادر و سواحل ایران افزایش یافت. آنها در طی یکی از این حملات، جزیره هرموز را به مدت شش ماه محاصره کردند. از این‌رو، یعقوب سلطان، حاکم لار با نیروهایی برای دفع آنها به بندر عباسی گسیل شد. برخلاف منابع هلندی که او را فردی ظالم و زورگیر می‌دانند، مرعشی او را شخصی کاردان معرفی می‌کند که از روی کاردانی و ضبط و تدبیر شایسته با رساندن آب و آذوقه و کمکهای دیگر مانع از سقوط هرموز به دست اعراب گردید (مرعشی، همان: ۳۸). به گفته منابع هلندی یعقوب سلطان در ۴ ربیع الآخر ۱۱۳۰ / ۲۴ فوریه ۱۷۱۸ م، یعنی دو سال بعد از حمله اعراب و محاصره هرموز به بندر عباسی رسید (فلور، ۱۳۷۱: ۳۷). وی در جلب کمک اروپاییان برای دفع تهاجم اعراب ناکام ماند. از این‌رو هر روز اروپاییان را بیشتر در تنگنا قرار می‌داد. بیفی^۳، مدیر ایک، (شرکت هند شرقی انگلیس) او را فریب داد و از بندر عباسی گریخت. این امر موجب شد تا یعقوب سلطان به نیروهای خود دستور دهد که در صورت تلاش کشتی هلندی که در لنگرگاه توقف کرده بود،

حملات آنان به مناطق جنوبی ایران این مقام را در دست داشت.

منابع

- افشار، ایرج (۱۳۸۰)، *دفتر تاریخ، انتشارات بنیاد موقوفات محمود افشار، تهران*؛
- درکریمی، دیرک وان (۱۳۸۰)، *شاردن و ایران، ترجمه حمزه اخوان، فرزانه روز، تهران*؛
- دلاواله، پیسترو (۱۳۸۰)، *سفرنامه دلاواله، ترجمه محمود بهنرزی، نشر قطره، تهران*؛
- فسایی شیرازی، حسن بن حسن (۱۳۷۶)، *فارسی‌نامه ناصری، تصحیح منصور رستگار فسایی، امیرکبیر، تهران*؛
- فلور، ویلم (۱۳۵۶)، *اولین سفرای ایران و هلند، به کوشش داریوش مجلسی و حسین ابوترابیان، کتابفروشی طهوری، تهران*؛
- _____ (۱۳۷۱)، *اختلاف تجاری ایران و هلند، ترجمه ابوالقاسم سری، انتشارات توس، تهران*؛
- _____ (۱۳۶۵)، *براندادن صفویان و برآمدن محمود افغان، ترجمه ابوالقاسم سری، انتشارات توس، تهران*؛
- فیگوتروا، دن گارسیا د سیلوا (۱۳۶۳)، *سفرنامه دن گارسیا د سیلوا فیگوتروا، ترجمه غلامرضا سمعی، نشر نو، تهران*؛
- فزونی، محمد طاهر وحید (۱۳۲۹)، *عباسنامه، تصحیح ابراهیم دهگان، کتابفروشی اراک، اراک*؛
- کاری، جملی (۱۳۴۸)، *سفرنامه کاری، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالله کارنگ، انتشارات اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی، تبریز*؛
- مرعشی صفوی، میرزا محمد خلیل (۱۳۶۲)، *مجمع التواریخ در انقراض سلسله صفوی، تصحیح عباس اقبال، کتابخانه طهوری و سنایی، تهران*؛
- مشیری، میر سعید (۱۳۶۹)، *تذکره صفویان کرمان، مقدمه و تحشیه ابراهیم باستانی پاریزی، نشر علم، تهران*؛
- نصیری، محمد ابراهیم زین العابدین (۱۳۷۳)، *دستور شهریاران، به کوشش محمد نادر نصیری مقدم، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، تهران*؛

Carre, Abbe (1948), *The Travels of the Abbe Carre in India and New East 1672 to 1674*;

Willem, Floor (2001), *Safavid Government Institution*, Mazda Publisher, California. ■

متهم به توطئه بر ضد شاه سلطان حسین بود، از حکومت بندر عباسی عزل گردید. با برکناری او در سال ۱۱۳۲ ق / ۱۷۲۰ م، محمدحسن خان نامی این منصب را به دست آورد. او نیز در ۱۴ جمادی الاول ۱۱۳۳ ق / سوم مارس ۱۷۲۱ م در حالی که هنوز به آنجا نرسیده بود، در مسیر بندر عباسی - لار فرمان برکناری خود را دریافت کرد. شاه سلطان حسین به جای او نورالله خان را به بندر عباسی فرستاد. او در عین حال مقام شاهبندری را نیز بر عهده داشت. به نظر می‌رسد که نورالله خان خود به بندر عباسی نرفته باشد، زیرا در صفر / دسامبر فردی به نام میرزا ابوطالب کلانتر منصب نایب‌الحکومه را بر عهده داشت. از آن جایی که ابوطالب لقب کلانتر دارد شاید او از بزرگان محلی بوده باشد؛ چرا که کلانتر هر ناحیه معمولاً از بزرگان همان منطقه انتخاب می‌شد. میرزا ابوطالب زمانی این مقام را در اختیار داشت که بندر عباسی با حمله بلوچها روبه رو بود. او نتوانست در برابر این حملات از خود لیاقت نشان دهد و از شهر دفاع کند. از این رو، شهر به وسیله بلوچها غارت شد (همان: ۸۶). در جمادی الاول ۱۱۳۴ ق / مارس ۱۷۲۲ م نورالله خان عزل شد و به جای او علیرضا خان منصوب گردید (همان: ۲۹۲). به نظر می‌رسد که نورالله خان در این هنگام در بندر عباسی بوده است؛ زیرا منابع هلندی به عنوان تنها منابع موجود در این مورد به خروج او از بندر عباسی و ورود میرزا ابوالقاسم به عنوان نایب‌الحکومه به شهر اشاره می‌کنند (همان: ۲۹۸). در ۱۶ رجب / ۲۵ آوریل همان سال علیرضاخان از حکومت برکنار شد و به جای او سید عبدالله خان، بیگلربیگی سابق خوزستان، حکومت بندر عباسی و لار و دشتستان و شیراز را به دست آورد (همان: ۱۴۷). سید عبدالله خان نیز حکومت بندر عباسی و لار را دوباره به محمدحسن واگذار کرد (همان: ۱۶۲). محمدحسن خان تا سقوط اصفهان به دست افغانه و